



## پیترا

ترجمه عبدالغفور خان امینی

بیوسته بگذشته

مزار يك معبود مجهول : در انتهای الشق بغتة سنگلاخی بملاحظه میرسد که دران معبد « الخزانة » برای کدام معبودی کنده شده ( عکس پنجم ) این نقطه الشق را که دره کشاده است ، « الشق خارجی » یا « الشق سفلی » میگویند . جدارهای الشق درین جا نیز خیلی تند و عمودی میباشد . دره الشق در جنوب به قلعه کوهی می انجامد که بران مقام بزرگ و عالی ذبیحه ، متمکن است . برای صعود بمقام ذبیحه زینه های سنگی ساخته شده قسمت شمالی الشق خارجی به حوضه شهر پیترا میرسد . و سیاح بعد از عبور ازین دره ، بالاخره به شهر پیترا وارد می شود .

آبدات پیترا : در پیترا قریب يك هزار آبده وجود دارد که اکثر از ان اثر دست نبطی ها بوده و مورد دقت مخصوصی است . تخمیناً ۲۵ آبده کلاسیک بوده و در زمان سلطه و نفوذ یونانیها و رومیها تعمیر گردیده و از حیث جسامت ، بزرگترین و جالب ترین انظار می باشند اما از نقطه قدامت چندان امتیاز ندارند . پیترا در حدود قرن ۶ قبل المیلاد شهر بزرگ تجارنی بوده و از انجا را های

نحارقی متعددی با طرف رفته و تا یک هزار سال با این وضعیت خود را حفظ کرده بود. اینک همین آبدات، قسمت اعظم تاریخ آنرا شرح میدهد.

قبل از عبور از الشق خارجی، یک تیار رومانی بنظر میرسد که در کوه کنده شده و در آن از سه هزار تا پنج هزار تناشاچی می گنجید. سیاح که از تیار گذشته به طرف مغرب میرود، به محوطه شهر قدیم پیترا که خیلی کم از آثار آن بر روی زمین پا بدار است میرسد. باثر حفر بات بعضی از دیوارهای ایستاده آن کشف شده اما خانه ها علی الاکثر با خاک یکسان گردیده. در امتداد ساحل «وادی موسی» در قدیم جاده بود. بقایای یک طاق نصرت که شاید از زمان رومی ها باشد، نیز در اینجا ملاحظه میرسد.

سیاح در امتداد این شارع قدیم، به یگانه عمارت قائم پیترا موسوم به «قصر البنت» که معبد رومی است، مصارف خواهد شد. با استثنای سقف و فیل پایه ها باقی این بنا تا هنوز موجود و بجز تهداب آن که یا برجاست، بقیه حصص آن پراکنده و پاشان گردیده.

اقامت گاه پیترا برای استراحت و توقف سیاحین، بین این بنای خرابه و کوه بجه منفرد الحبس ELHABIS خیمه گاه فراخی با چندین خیمه موجود است (عکس ۴) مسافر میتواند در میان یکی از بن خیم و یا در یکی از سمچهای این موضع، شب بسر برد.

ز قتیکه از الشق برآمده داخل پیترا میشود، شهر را از همه طرف با کوه های بلند محاطی بینید و از انجمله به دورشته جبال (که تقریباً بشمال مشرق و جنوب مغرب افتاده است) الشق در مشرق و وادی الصیغ در مغرب، رخنه وارد کرده است. و آبهای طغیانی وادی موسی از میان این دورخنه میگذرد و قبل از رسیدن به عربستان، اکثر

از آن بخار میگردد. در میان این دورشته جبال، قدما دو دیوار را برای پیترا بنا نموده بودند که یکی سرحد شمالی و دوم سرحد جنوبی آنرا تشکیل میداد و در آنها درب‌های بزرگی ساخته بودند که با اشق، مدخلهای سه گانه پیترا بشمار میرفت (زیرا ورود به پیترا از راه وادی الصیغ ناممکن بود) بدین وجه شهر پیترا مساحت تقریباً ۲ میل مربع را در بر گرفته و وادی موسی آنرا قطع مینمود.

بر جبال شمال اشق، آبادات کلاسیک کنده شده (عکس ۶) و در جنوب آن دره‌های زیادی دیده میشود. مهمترین قلعه این رشته «زب اتوف» ZIBBATUF است که بر سر آن «مقام عالی ذبیحه» جادارد (عکس ۷) و در دامنه آن «الخرانه» و تپه و چندین مقبره قدیم نبطی‌ها واقع است. رشته غربی شمال الصیغ به «جبال الدیر» موسوم است که در آن سومعه یونانیها و رومی‌ها کنده شده و بعدها عبادتگاه عیسویها گردید.

بک سنگر گاه تسخیر نشدنی: <sup>شوشکا علوم انسانی و مطالعات فرهنگی</sup> بجنوب الصیغ، با اهمیت ترین کوه‌های پیترا موسوم به «ام البیاره» Umm El BIYARA واقع است. این محل سنگر گاه نبطی‌ها بوده و بدون زینت که در دره بن سته آن ساخته شده، صعود به سنگر گاه مزبور ناممکن است. مخزنهای که در کوه مذکور حفر گردیده مدافعین سنگر گاه، موقع محاصرات مدیده، آب جمع میکردند.

«دبودوروس سیکولوس» مؤرخ یونانی قبل از مسیح، می نویسد که نبطی‌ها خانه‌های ساخته نداشتند، و کوسفند و شتر میروراندند و آخرالذکر را بعوض اسب استعمال میکردند و تجارت کندر - مر، و مصالحه جات قیمتی را نموده و آزادی را دوست داشتند - و نیز میگوید که سنگر گاه کوهی ایشان که دارای

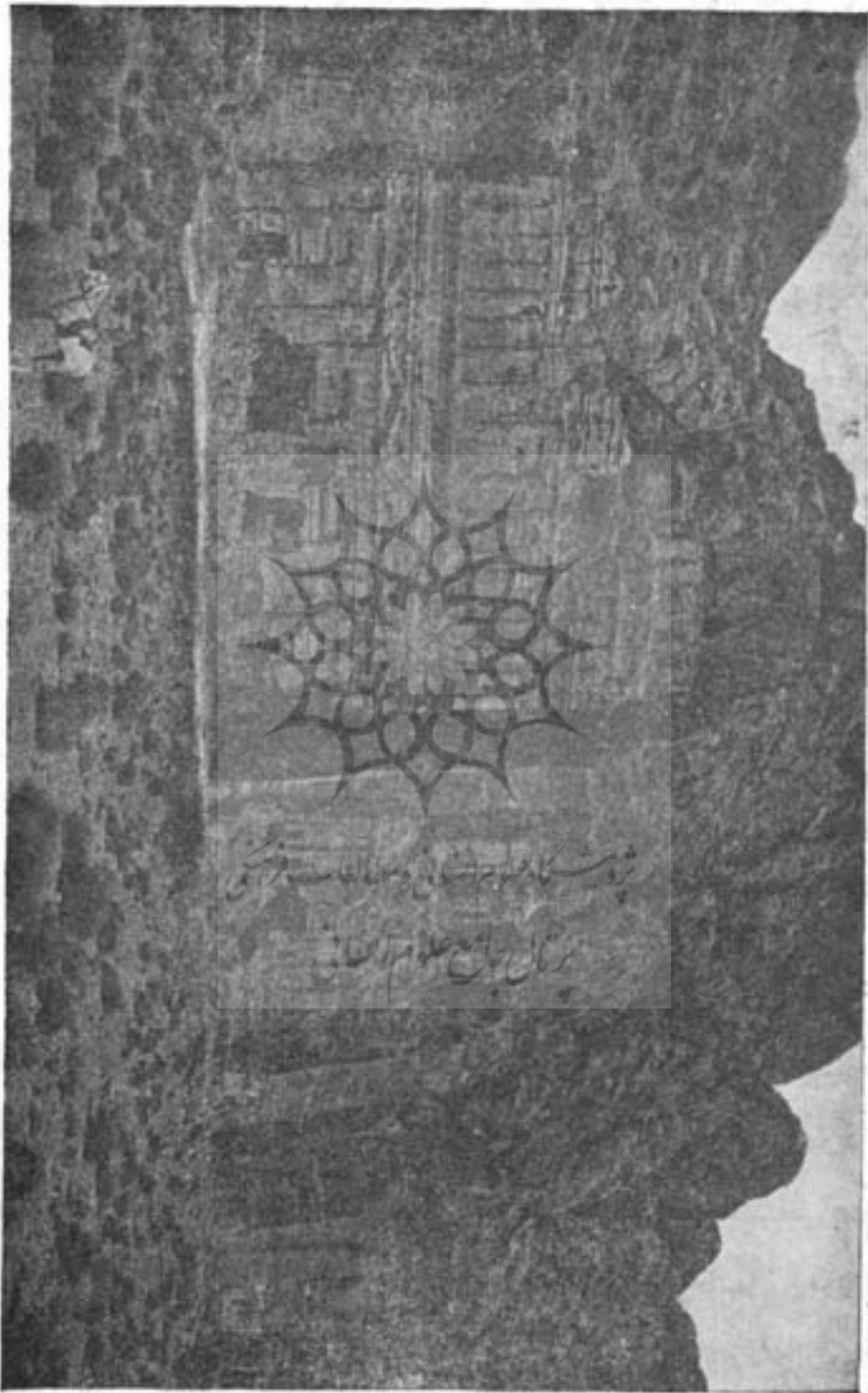


آب البارها بود ، فقط يك راه صعود داشت و بس . و « انتهی گونوس » یکی از ژنرالهای اسکندر کبیر ، دومرتبه بریشان حمله برده تا کام گر دید . غالباً پیش از نبطی ها ، قوم « ایدوم » بر « البیاره » استحکامات داشتند که مانع عبور اسرائیل از میان سرحدات خویش گردیدند . وقصه مزبور در تورات چنین مذکور است : « موسی ایلچیان را از کادش Kadech بنزد پادشاه ایدوم فرستاد و ایشان گفتند : برادرت اسرائیل میگوید که خواهش میکنم مایان را بگذاری که از میان مملکت عبور کنیم مانه از میان مزارع و تا کستانها میگذریم و نه آب چاه ها را میخوریم . بلکه از شاه راه میرویم و نه بطرف دست راست میگردیم و نه بطرف دست چپ . تا آنکه سرحدات مملکت ترا عبور کنیم . » ایدوم بایشان گفت : « نباید از پیش من عبور کنی . مبادامن باشمشیر بمقابلت بیرون آیم . »

بسیب همین انکار ایدوم میها بود که نویسندگان عبری همواره ایشان را به الفاظ غضب آلود یاد میکردند .

حضرت جریمیا میگوید : « ای آتالکه در صخره های کوه زندگانی داری و بلندی کوه را اقامت گاه ساخته ، ترسناکی و غرور قلب تو ترا فریب داده تو اگر چه اشیانهات را مانند عقاب بلند بسازی ، من ترا پائین خواهم آورد . . . ایدوم متروک و خراب خواهد شد و هر کسیکه از آن بگذرد ، تعجب خواهد کرد ( جریمیا - ۴۹ - ۱۶ - ۱۷ ) . از بیان ابن بیغمبر ، وضع طبیعی زمین پیترا و خصوصاً کوه های بلند آن ، ظاهر می شود .

در یکی از مناجات منسوب بحضرت داؤد (ع) که میخواست ایدوم را فتح نماید و بالاخره ساخلوی خود را در انجا تمرکز داد ، چنین نگارش یافته است : « کی



التصیر یا کلا تیر بن آئینه پیرا ( شکل ۶ ) متعلق مقاله پیرا

مرا در شهر مستحکم خواهد آورد؛ کی مرا به ایدوم رهنمائی خواهد کرد  
(مناجات ۱۰۸ : ۱۰) .

« اما زیاه » Amaziah پادشاه یهودا بر علیه اولادان «سیر» جنگیده «صلاح»  
(پیترا) را تسخیر نمود و ده هزار نفر را بقتل رسانید. و ده هزار نفر دیگر را  
اولادان یهودا اسیر کرده بر سر کوه بردند و پائین انداختند و همه آنها یارچه  
یارچه گردید .

( II Cron. 25:12 ) آیا این سر کوه «ام الیاره» شده نمیتواند!

فرشته سیل زمستانی بگرد دامنه شرقی «ام الیاره» دور زده با وادی  
موسی این شکل <sup>۱</sup> را تشکیل میدهد و در تنگنای الصیغ فرو میرود .  
در میان شکل مزبور ، کوه كوچك الحبس که بر روی آن خیمه های موصوفه  
قرار دارد ، واقع است (عکس ۴) .

منابع آب رسانی پیترا : در وادی الصیغ در میان قلیل سر بفلک کشیده  
و گیاهای خرزهره روانه بوده به چشمه کوچکی میرسیم که از میان سنگریزه ها  
فوران کرده از بالای صخره ها به جوی میریزد و جوی مزبور در میان  
کوه های دشوار گذار غایب می شود . این چشمه با چشمه کوچتری که بالاتر  
واقع است و با عین موسی ( که از راه الشق در شهر می آید ) رو بهمرفته آب  
پیترا را فراهم می آورد .

قلعه صلیبیون بر يك کوه : برای صعود به قلعه الحبس ، از خیمه های خود  
برآمده از راه های کج و بیچی که در سمت شرقی کوه الحبس کشیده شده بود ،  
بالاشده و از روی يك یرتگاه وادی الصیغ عبور کرده به فلات كوچك آن طرف



رسیدیم . از اینجا دو قول به قلعه کوه راهنمایی میکند . از قلعه الحبس تمام شهر  
 بیترا بزیر پای انسان معلوم می شود . برین قلعه بعضی خرابه ها دیده می شود که  
 برخی از علما آنرا به رومانی ها و گروهی به صلیبیون منسوب میدانند ما میدانیم  
 که بالدوین اول ، شاه بیت المقدس ( ۱۰۵۷ - ۱۱۱۸ ع ) در « بیترا »  
 قلعه موسوم به « صلاح » را که نام تورانی « بیترا » است II Kings  
 آباد نموده - و نامبرده بتأسی از افکار قدیم ، راه های کاروانی را بزیر مراقبت  
 داشته و ازان محصول میگرفت . دیگر کوه قابل صعود « زب اتف »  
 است - و ما برای صعود آن از خیمه گاه الحبس برآمده بطرف مغرب و جنوب  
 بر دامنه « ام البیاره » تا قسمت جنوبی سلسله کوه شرقی روانه بوده ازا نجا  
 بجانب جنوب برگشته از بالای یکی از دره های عدیده آن یعنی از دره « الفرسه »  
 که کوه « الفرسه » را از « زب اتف » جدا میکند ، عبور نموده بر پشته مثلث نمائی  
 میرسیم - درینجا یکعده آبگات کلاسیک دیده میشود که بهسم خوبی محفوظ  
 مانده اند . بطرف دست راست باغ « آم ام گاه اصنام » و بر سر راه آن آبد  
 قرار دارد که خارج خیلی ساده داشته و بقدر سائیده شده که معلوم نمیشود  
 آیا دران تراشی هم واقع شده یا خیر ؛ درین آبد یگانه اطلاق مزین بیترا  
 وجود دارد - اندکی دور تر « مقبره مرتبانهای سه گانه » واقع است . که  
 در سقف آن سه ظرفی شبیه به مرتبان قرار دارد ،  
 دور تر ازین ، در جای که دره خوب تنگ میشود ، یک آبد کو چک کلاسیک ،  
 معروف به « معبد فرسه » قرار دارد - و در پیشروی آن قطعه زمینی واقع است که  
 « باغ مقبره » نام دارد ، اگرچه فی الواقع مقبره نیست .

قربانگاه بزرگ و عالی : در دامنه کوه « زبائف » ، زیاده ترین مقابر بنطلی های متقدم و نیز دو قربانگاه وقوع دارد - و آخر الذکر را بی شبهه بواسطه قدسیت کوه « زبائف » ساخته بودند که برقله آن قربانگاه بزرگ و عالی وجود دارد . مقصد اصلی معبد فرسه را نمیتوان معلوم کرد و غالباً و جهت مذهبی داشته . در بالای آن يك حوض بزرگ برای ذخیره کردن آب باران ساخته شده . سیاح که یتراراً مشاهده میکنند ، از زحماتی که بزیننه ها - آب روها - قنات ها حوض ها و آب انبارهای بزرگ آن به مصرف رسیده ، بی اختیار مبهوت و متحیر خواهد شد .

هرگاه بالاتر رفته از زیننه های که دو کوه کننده شده سعود نمائیم بر قلعه کوه « زبائف » میرسیم - در اینجا دو آبلسک ( سنگ های ایستاده ) بطور غیر مترقب بنظر میخورد و هرگاه دقیقانه معاینه شود معلوم میگردد که تمام سطح کوه را کننده ، سنگهای آن را برده و این دو آبلسک را بجا گذارده اند . آنطرف این دو سنگ ، صخره وجود دارد که توسط زیننه های خیلی سراسیم سنگی بدان میتوان رسید - و همین جا است « قربانگاه بزرگ و عالی » .

در سطح این صخره نا هموار ، حیاطی ساخته شده و دراز چوکی های سنگی پستی اطراف آن را احاطه نموده و در کناره غربی حیاط مزبور ، دو مذبح قرار دارد - مذبح اولی یا مذبح بزرگ تقریباً شکل چهارکنج و يك پله زیننه داشته و خندق باریک و عمیق بدور آن حفر گردیده آن را از صخره جدا میکنند . سطح مذبح مذکور نا هموار است .

بجنوب این مذبح ، مذبح کوچکی است که سطح بزرگ و هموار و چهارپله



رسیدیم . از اینجا دو قول به قلعه کوه راهنمایی میکند . از قلعه الحبس تمام شهر پیترا بزیر پای انسان معلوم می شود . برین قلعه بعضی خرابه ها دیده می شود که برخی از علما آنرا به رومائی ها و گروهی به صلیبیون منسوب میدانند ما میدانیم که بالدوین اول ، شاه بیت المقدس ( ۱۰۵۷ - ۱۱۱۸ ع ) در « پیترا » قلعه موسوم به « صلاح » را که نام تو را تی « پیترا » است II Kings آباد نموده - و نامبرده بتأسی از افکار قدیم ، راه های کاروانی را بزیر مراقبت داشته و ازان محصول میگرفت ، دیگر کوه قابل صعود « زبائف » است - و ما برای صعود آن از خیمه گاه الحبس برآمده بطرف مغرب و جنوب بر دامنه « ام الییاره » تا قسمت جنوبی سلسله کوه شرقی روانه بوده از آنجا بجانب جنوب برگشته از بالای یکی از دره های عبدالله آن یعنی از دره « الفرسه » که کوه « الفرسه » را از « زبائف » جدا میکند ، عبور نموده بر پشته مثلث نمائی میرسیم - درینجا یکپرده آبدار کلاسیک دیده میشود که بقسم خوبی محفوظ مانده اند . بطرف دست راست « آرام گاه اصنام » و بر سر راه آن آبداء قرار دارد که خارج خیلی ساده داشته و بقدر سائیده شده که معلوم نمیشود آیا دران تراشی هم واقع شده یا خیر ؟ درین آبداء یگانه اطاق مزین پیترا وجود دارد - اندکی دور تر « مقبره مرتبانهای سه گانه » واقع است که در سقف آن سه ظرفی شبیه به مرتبان قرار دارد .

دور تر ازین ، در جای که دره خوب تنگ میشود ، يك آبداء كو چك کلاسیک ، معروف به « معبد فرسه » قرار دارد - و در پیشروی آن قطعه زمینی واقع است که « باغ مقبره » نام دارد ، اگرچه فی الواقع مقبره نیست .

قربانگاه بزرگ و عالی : در دامنه کوه « زبائف » ، زیاده ترین مقابر بطنی های متقدم و نیز دو قربانگاه وقوع دارد - و آخر الذکر را بی شبه بواسطه قدسیت کوه « زبائف » ساخته بودند که برقله آن قربانگاه بزرگ و عالی وجود دارد . مقصد اصلی معبد فرسه را نمیتوان معلوم کرد و غالباً و جهت مذهبی داشته . در بالای آن يك حوض بزرگ برای ذخیره کردن آب باران ساخته شده . سیاح که بپتزارا مشاهده میکنند ، از زحماتی که بزینه ها - آب روها - قنات ها حوض ها و آب انبارهای بزرگ آن به مصرف رسیده ، بی اختیار مبهوت و متحیر خواهد شد .

هرگاه بالاتر رفته از زینه های که در کوه کنده شده صعود نمائیم برقله کوه « زبائف » میرسیم - در اینجا دو ابلسک ( سنگ های ایستاده ) بطور غیر مترقب بنظر میخورد و هرگاه دقیقانه معاینه شود معلوم میگردد که تمام سطح کوه را کنده ، سنگهای آن را برده و این دو ابلسک را بجا گذارده اند . آنطرف این دو سنگ ، صخره وجود دارد که توسط زینه های خیلی سرا شیب سنگی بدان میتوان رسید - و همین جا است « قربان گاه بزرگ و عالی » .

در سطح این صخره نا هموار ، حیاطی ساخته شده و دراز چرکی های سنگی پستی اطراف آن را احاطه نموده و در کناره غربی حیاط مزبور ، دو مذبح قرار دارد - مذبح اولی یا مذبح بزرگ تقریباً شکل چهار کنج و يك پله زینه داشته و خندق باریک و عمیق بدور آن حفر گردیده آن را از صخره جدا میکند . سطح مذبح مذکور نا هموار است .

بجنوب این مذبح ، مذبح کوچکی است که سطح بزرگ و هموار و چهار پله

زینۀ تراشیده دارد - و بر سر آن گودال یا خندق کردی حفر گردیده و در ته آن سوارخی بطرف بغل گودال کنده شده به رود باری میبویند و آب گودال را خارج میکنند. بجنوب حیاط، صفتی پستی حاوی يك تالاب و چند رود بار است که برای اذخار آب باران و اخراج ما بقی آب آن صافتر شده.

این بود شرح بزرگ قربانگاه بزرگ و عالی. از رسوم و عادات مذهبی آن جز حدسیات، اطلاع محققى نمیتوان ابراد کرد. دیگر قربانگاهها نیز در مقامات بلند یترا وجود دارد که از تذکار آن منصرف می شویم.

از باب انواع نبطیان: نویسندگان قدیم، بصراحت تحریر میدارند که نبطیها «دوشارا» یعنی رب النوع آفتاب را پرستش میکردند و علامت و قایم مقام آن، سنگ سیاه نا تراش بود. لات، رب النوع بزرگ عرب، ما در «دوشارا» بود. در تمام «یترا» طاقهایی بنظر میخورد که حاوی ستونهای يك پارچه سنگ (تمثال دوشارا) میباشد. نبطیهای قدیم، این سنگهای يك پارچه را در نزدیک مقابر بر روی جاده ها، میان معابد، بر سر زینۀ های سرایشب (عیناً همانطور بکه عیسویون صلیب را می گذارند) می نهادند.

جبل هارون: راه جبل هارون سرایشب است و آب انبار بزرگی در پای آن وجود داشته اعلام میدارد که در زمان قدیم، حجاج زیادی در اینجا رفت و آمد داشتند. در زیر زیارتی که بقول مسلمین مدفن حضرت هارون است، يك مغارة طبیعی واقع است که حاوی سه دیگ مسی برای قربانی میباشد و یکی از این دیگها بقدری بزرگ است که گوشت يك شتر تماماً در آن گنجدیده میتواند. درون زیارت مقبره ایست که بر روی آن پارچه سبزی گسترده اند و از سقف آن چند

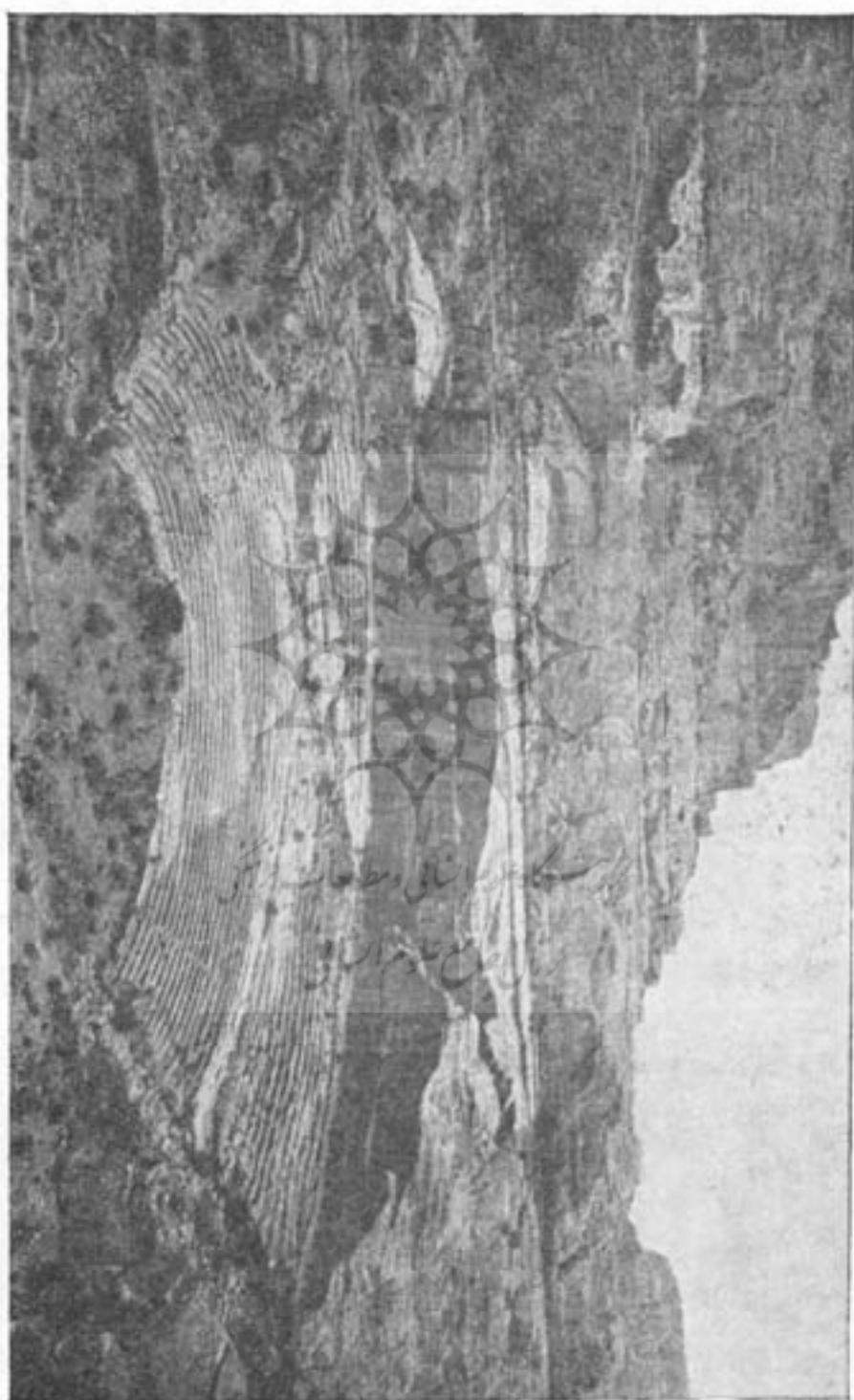


دانه نخم شتر مرغ آو بزبان است که از صحاری شام و شمال عربستان آورده اند و بر لوح سنگ آن ، خطی بزبان عربی و عبری نگاشته شده .  
 معابد و گدام خانه های کار وانیان : روز دیگر از نقاط مزبور گذشته به « الخبزه » آمدیم که قسمت شمالی رشته شرقی کوه میباشد درینجا در پوزه کوهی که در قسمت سفلی الشق وقوع دارد ، رف و سائر کفده کاریهای مقرنس نفیسی بنظر میخورد - براتهای الشق ، قبل از آنکه الشق باوادی وصل می شود اطاقهای واقع اند که در دیوار های آن غار های کلانی کنده شده است قرار معلوم چون این مغاره ها و خانه ها در مدخل راه کاروانی که به پیترا می آمد ، وقوع داشت ، بنا بران بجهت گدام خانه ها و دکانها استعمال شده و کندر طلا - صبر - دارچینی و مصالحه جات که ذریعه شتر از عربستان می آمد درینجا فرود آمده و بعد بنقاط شرقی و غربی و شمالی فروخته و یاد دوباره حمل و نقل میگردید .  
 « الخبزه » بلند ترین منظره کوهی از تمام کوه های اطراف پیترا بشمار میرود - و بهمین سبب بوده که در زمان کوه پیترا ، بر جسته ترین معابد بر سمت غربی آن کیده شده است .

رتال جامع علوم انسانی

نیز در همین جا « معبد تنور » و سه مقبره سبک نبطی ها وجود دارد - و بشمال آنها مقبره معروف به « مقبره کورنت » و بزرگترین آبداء پیترا یعنی « القصر » (عکس ۶) کائن است .

وادی الدیر : کوه الدیر پراز آبدات کوه چک است - و دیوار های آن سرایشت و نزدیک بهم شده میرود - و زینه های بزرگ و فراخی درین کوه کنده شده - در غار های مدخل وادی الدیر ، چند قبیله باقیمانده بدویهای « بدول » BQUL زندگانی میکنند و اینها نه خانه دارند و نه خیمه - و لباس



نشین گاه تجار که رومیان را صخرها و مقابر بطنی هارا کنده درست کرده اند ( شکل ۷ ) متعلق مقابر بیترا

اندک و پاره پاره در بر داشته و دارائی گرانبهای ایشان همیشه بر پشت آنها بوده و بروی کهنه پلاسی میخوابند - و اولاد های شان اکثرأ بکلی برهنه و عربان اند. خوراک شان جوست که آنرا در چقوربهای سنگ آرد ساخته در آتش بخته میکنند - و هفته دوم تبه غذا برای ادامه حیات شان کفایت میکند. یگانسه وسیله حیاتی يك فامیل بز است که هر خانواده چنددانه دارد .

برواز به پیترا : من با هیئت خود در ۱۹۳۴ از ساحل بحیره کالیلی حرکت کرده از میان « بتریاس » بمیدان طیاره « سمخ » آمدم ( شکل اول ) و بر طیاره نشسته بکد فعه بفر از بحیره گذش نموده و بعد بطرف وادی اردن رهسپار شدیم و از بالای بحرالمیت و صحرای شام گذشته به فضای پیترا رسیدیم و بمعان فرود آمدم و بذریعه موتز به « الجی » ( که قبلاً تذکار یافت ) برفیم و در آنجا بر اسپ های بدویها نشسته ، از راهیکه سابقاً بیان شد ، وارد پیترا گردیدیم موقع عودت نیز همین خط سیر را تعقیب کردیم مناظر دلکش طبیعی و آبدات قدیمه و سائر مظاهر تمدن قدیمه پیترا از هوا بقدری قشنگ و دلربا جلوه میکرد که ابدأ فراموش نخواهد شد .

